

جنبه های اخلاقی حفاظت از حقوق بشر در کشور عزیز ما افغانستان آیا سرکوب می تواند با مشروعیت بین المللی پاداش گیرد؟ چگونگی پابندی بر هنجارهای قرون وسطایی و پس منظر آن

پیشبینی وضعیت و چگونگی عملکرد های خرابکارانه در میهن عزیز ما
بارعایت قوانین، چالش های موجود بآرامی مدیریت می شوند
آیا معادلات قدرت در کشور در شرف تغییر و تحول می باشد؟
به مدیریت عقلانی معضلات موجود باید اندیشید

حقوق بشر بمثابة اساسی ترین حقوق شهروندان کشورها پنداشته شده که هر شهروند بگونه ذاتی، فطری و بدلیل انسان بودن از آن بهره مند میگردند. در مورد ویژگی های حقوق بشر متذکر باید گردید که بر بنیاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون ژنیو و سایر اسناد بین المللی، این حقوق ویژگی هایی را دارا می باشند که می توان به مواردی چون جهان شمولی، غیر قابل سلب، تبعیض ناپذیر و برابری، اشاره نمود. انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، برابری طلبی و بهم پیوستگی و درهم تنیدگی از دیگر مواردیست که می توان بآن اشاره نمود. از اینرو بتمامی افراد در هر جایی از دنیا تعلق دارد و هیچکسی را نمی توان از این حقوق محروم نمود، ضمن اینکه همه شهروندان فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، گرایش جنسی، رنگ پوست، زبان و غیره در امر برخورداری از این حقوق باهم برابرند و هیچگونه تمایز، ارجحیت، محدودیت و محرومیت در بهره مندی از این حقوق ندا شته و این حقوق قابل نقض نیز نمیباشد. حقوق یادشده در برگرفته حقوق طبیعی، حقوق قانونی مندرج قوانین کلی و بین المللی میگردد. متخصصان و فعالان حقوق بشر در فعالیت ها و عملکردهای بین المللی خود در زمینه حقوق بین الملل، نهادهای جهانی و منطقه یی، سیاست های دولتی و در فعالیت های ساز مان های غیر دولتی، اساس و شالوده سیاست های عمومی و اختصاصی را در زمینه بنا نهادند. در واقع می توان گفت در صورتی که جامعه جهانی در فضای صلح و با یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مذاکره نمایند، این زبان مشترک اخلاقی، در واقع حقوق بشر نامیده می شود. با این وجود، هنوز امروز، متخصصان حقوق بشر، نظریه های شان را در اینمورد با شک و تردید بیان می کنند و مباحثه آنها بیشتر در زمینه محتوا، ماهیت و چگونگی توجیه حقوق بشر میباشد. در واقع، پرسش بحث برانگیز همانا خود معنای حق یا حقوقی است که باید برسمیت شناخته شود. این بحث در گفتمان های فیلسوف ها همچنان ادامه دارد. بسیاری از ایده های اساسی که محرک جنبش حقوق بشر بود، پس از جنگ جهانی دوم و جنایات هولوکاست گسترش و توسعه یافت. با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در پاریس توسط مجمع عمومی سازمان ملل در امتداد سال ۱۹۴۸ ترسایب برسمیت شناخته شد.

چنانچه بهمگان واضح و میرهن می باشد که فراخواندن نظامیان ائتلاف برهبری ناتو از اراضی و سرزمین متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، بنحوی از انحاء بمثابة محرکی بمنظور شکل گیری بحران سیاسی، فرار رئیس جمهور و اعضای بلند پایه دولت بکشورهای خارجی مبدل گردیده، به تشدید بحران انجامیده و در نتیجه، "طالب" ها با استفاده و بهره برداری از وضعیت اینچینی، اعلام نمودند که گروه یادشده اکنون مجدداً به پایه گذاری و تشکیل "امارت اسلامی" متکی بقوانین و ضابطه های "شریعت اسلامی" مبادرت خواهند ورزید. کشور عزیز ما افغانستان بدلیل در گیری های مسلحانه چندین ساله در مانده شده و در وضعیت فاجعه بار انسانی قرار داشت که چنین حالتی، بیش از پیش بوسعت معضلات و مشکلات در داخل کشور افزود. اما تداوم وضعیت کنونی در کشور عزیز ما، ممکن افغانستان و شهروندان آنرا بسده ها قبل برگردانده، سرزمین و اراضی متعلق به میهن مارا به منطقه ناپایدار و تنش زا در نقشه جهان مبدل نموده و آینده آن توسط جهان متمدن بگونه نا مشخص و تیره و تار ترسیم گردد. جامعه بین المللی، گروه حاکم بر سر نوشت کشور مارا به حفظ و رعایت حقوق بشر، چه در وضعیت و شرایط درگیریهای مسلحانه و چه

هنگام انتقال قدرت فرا خوانده است، اما با کمال تأسف که رهبران گروه یادشده به بیانیه ها و فراخوان های اینچنینی اصلن وقعی قایل نگردیدند. افغانستان دیروز دارای مجموعه ای از مشخصه هایی بمنظور ایجاد و رهبری حاکمیت دموکراتیک بوده که شهروندان کشورداری حقوق برابر بوده و از حق تحصیلات و دریافت کمک ها و معاونت های بهداشتی، انتخاب شغل و دفاع از دستیابی بحقوق نقض شده و... برخوردار بودند. درکنار اینهمه، کشور توانست با سازمان های بین المللی وارد مناسبات و تعاملاتی گردیده و بهدفع بازسازی ساختاردولتی ویران شده که در نتیجه درگیری های مسلحانه تخریب شده بود، تهیه مایحتاج شهروندان، حمایت رسمی از فعالیت های سازمان های بین المللی، ارائه خدمات بهداشتی و غیره با اقداماتی متوسل گردد.

بربنیاد ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه انسان ها آزاد و برابر دنیا آمده و درانتخاب و برخورداری از حقوق خویش نیز آزاد و مستقل پنداشته می شوند. در ماده های ۲ و ۳ اعلامیه یادشده تذکر بعمل آمده که هر انسان باید از تمامی حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه یادشده بدون در نظر داشت نژاد، رنگ پوست، جنس، زبان، مذهب، پاور های سیاسی و سایر معتقدات، خاستگاه ملی یا اجتماعی، وضعیت مالی، طبقاتی یا دیگر موقعیت ها، با پذیرش شخصیت حقوقی انسان از حق زندگی، آزادی مراقبت شخصی برخوردار باشد. همچنان اعلامیه یادشده تصریح می نماید که حقوق و توانایی های قانونی فرد باید مستقل از اینکه در کدام کشوریات بسر می برد، مورد شناخت قرار گیرد. چگونگی وضعیت و حال و احوال شهروندان بویژه در بسیاری از ولایت های کشور عزیز ما، آنچنان که انتظار برده می شد، نمی باشد، چه، "طالب" ها اقداماتی را عمدتن بمنظور پاکسازی های قومی راه انداخته اند. گزارش های بنشر رسیده گواه این واقعیت می باشد که گروهایی از بخش های امنیتی بمنازل و محل اقامت سران و بزرگان روستا ها و روحانیون منتفذ یورش برده، تلاشی های خودسرانه انجام داده و برخی از شهروندان محل را بدون محاکمه و تحقیق به گلوله می بندند. بایست متذکر گردید که جامعه جهانی به ناظر سناکت و بمثابه شاهد بی چون و چرای همه حوادث و واقعات تکوین پذیرفته در کشور ما مبدل گردیده است.

بربنیاد اصول پذیرفته شده حقوق و آزادی های شهروندان، هر فرد و شخص می تواند در انتخاب محل بود و باش خود آزادی کامل داشته و از آزادی حق ترک سرزمین اصلی خود و بازگشت بان نیز برخوردار می باشد. شهروندان کشور عزیز ما از ترس و هراس تهدید زندگی خود و اعضای خانوارشان و نبود هیچگونه چشم انداز و دورنمای قناعت بخش و امیدوارکننده، تلاش بعمل آورده و با استفاده از هر وسیله ممکن، ناگزیر بترک سرزمین کشور آبیایی و اجدادی خویش گردیدند. همه ی ما شاهد هرج و مرج و برهم خوردن حمل و نقل برخی از شهروندان کشور در میدان هوایی کابل بودیم، برخی از شهروندان کشور که در صد ترک کشورشان از طریق میدان هوایی کابل بودند، در جریان مصاحبه با کانال های تلویزیونی خارجی، نگرانی و اضطراب فزاینده شان را نسبت چگونگی زندگی خود و نزدیکان شان ابراز نمودند. در امتداد چندین روز متوالی، شهروندان کشور تلاش بعمل آوردند تا با استفاده از هواپیماهایی که از کابل بخارج از کشور پرواز می نمودند، فرار را برقرار ترجیح داده و به محل امنی منتقل گردند. در امتداد روزهای نخست تخلیه، ده ها تن از شهروندان کشور در میدان هوایی کابل از زندگی ساقط گردیدند. تصاویر تکاندهنده ای از آنده از شهروندانی که از هواپیماهای در حال پرواز سقوط نموده و از دنیا چشم پوشیدند، پخش و نشر گردید. قابل یاددهاتی پنداشته میشود که در پس زمینه نمایش اعدام ها، ادعا گردید که سعی مخالفان آنها بمنظور ترک کشور، عواقب تراژیکی را بدنبال خواهد داشت. بربنیاد ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت ها باید حق کار، امکان تأمین معیشت، بویژه از طریق شغلی که شهروندان بگونه آزادانه بر می گزینند را، برسمیت شناخته و شرایط و زمینه های تأمین چنین حقی را باید فراهم نمایند. اما جالبتر از همه اینکه درکنار سایر اقدامات حاکمیت کنونی در کشور اعلام گردید که در واقعیت امر، اصلن تفریحات برای شهروندان مسلمان امارت اسلامی مجاز نمی باشد.

در مورد حقوق و آزادی های بانوان در کشور باید گفت که آنچه در مورد یادشده از جانب رهبران "طالب" ها اظهار می گردد با آنچه در عمل رخ می دهد، از ریشه در تضاد می باشد. این واقعیت که بانوان در کشور ما، چگونه بان انتخاب شغل و نوع مشغولیت شان در مجموع ساختاردولتی، تصدی در مشاغل خدمات دولتی و برخورداری از حق تحصیلات عالی از آزادی برخوردارند، درهاله ای از ابهام قرار دارد. ذبیح الله مجاهد بمثابه سخنگوی "طالب" ها اظهار نمود که بانوان کشور در حکومت جدید موفق به کسب مقام های رهبری در وزارت خانه ها نخواهند بود. نامبرده همچنان متذکر گردید که بانوان کشور به مثابه آمر، بلکه بعنوان دستیاران بخش های مربوطه می توانند در برخی از وزارت خانه ها، در بخش هایی از پولیس و در مجموع نظام قضایی کشور توظیف گردند.

همچنان "طالب" ها تصمیم گرفتند تا در مراکز تعلیمی و پوهنتون ها، دختران باید در کلاس های منحصر بفردی و جدا

از سایر پسران بوده و دانشجویان دختر باید در لباس سیاه و با نقاب در کلاسهای درسی حاضر گردند. کارمندان وزارت وزارت تحصیلات عالی مدعی اند که در شرایط و وضعیت کنونی، در مؤسسات آموزشی کشور اصلن محلی بمنظور سازماندهی کلاس های تفکیک جنسیتی موجود نمی باشد و در کنار این همه، کمبود بانوان معلم نیز مشکل دیگریست که نباید از نظر دور نگهداشته شود. مسئولان وزارتخانه یاد شده ادعا می نمایند که در صورت عدم موفقیت در امر سازماندهی اینچنینی، پروژه آموزش در مراکز تحصیلی، کم از کم، باید بانوان را با آویختن پرده از بخش مربوط به پسران باید جدا نمود.

آموزش در کلاس های محصلان هم جنس تنها در دانشگاهها محدود نمی گردد، بلکه پس از پایان درس، دختران باید به سالون های انتظار رفته و تا زمانی که پسران دانشجو و سایر مردان دانشگاه، محل مربوطه را ترک ننموده اند، باید منتظر باشند و تنها زمانی میتوانند محوطه دانشگاه را ترک نمایند که اطمینان حاصل نمایند که دیگر هیچ مردی در آن حدود و حوالی موجود نمی باشند. مقررات دست و پاگیر یاد شده منجر به محدودیت های گسترده ای در قبایل تحصیلات و تداوم آموزش بانوان گردیده و بویژه با توجه به کمبود بانوان متخصص و عدم توانایی حضور در کلاس های استادان مرد، در حال حاضر و وضعیت کنونی اصل تداوم تحصیل بانوان کشور قابل دسترسی پنداشته نمیشود. دختران با مشکل دستیابی به مهارت های عملی در حرفه آینده روبرو خواهند شد، زیرا امکان سپری نمودن تمرینات کارهای عملی در کارگاهها و شرکت و سهمگیری در سیمینارهای علمی اصلن موجود نمی باشد. در شرایط و وضعیت کنونی، هیچ بانویی بدون رعایت حجاب و نبود همراه مرد، نمی تواند از منزل خارج شده و به گشت و گذار بپردازد. هر نوع ورزشی که در آن بانوان باید چهره، قسمتی از بدن و اندام شان را بپوشانند، بگونه قطع ممنوع بوده و بگفته مقامات مسؤل، بانوان ورزشکار در تیم های ملی کشور، از انجام ورزش در افغانستان ممنوع گردیده اند. وضعیت خفقان آور اینچنینی برای بانوان کشور اصلن پذیرفتنی نمی باشد، چه، تداوم وضعیت یاد شده بنحوی از انحاء بشکل گیری تنش هایی در کشور منجر خواهد گردید.

در این رابطه بانوان کشور در امتداد ماه سنبله سال پسین، در شهر کابل بسازماندهی گردهم آبی های اعتراضی در زمینه نقض حقوق و آزادی های شان مبادرت ورزیدند. آنها در حالی که بجانب ارگ مارش می نمودند، خواهان گسترش و دستیابی بحقوق سیاسی شان شده و در زمینه، اقدامات عملی زمامداران کشور را تقاضا نمودند. اما به تقاضاهای قانونی آنها پاسخی ارائه نگردیده، بلکه با استفاده و بکارگیری از گاز اشک آور، معترضان را متفرق و پراکنده نمودند.

در ماده ۱۲ حقوق بشر تأکید بعمل آمده که چون تداوم تحصیلات، سبب ساز رشد شخصیت شهروندان می گردد، بنا برین، حق هر شهروند بمنظور ادامه تحصیلات برسمیت شناخته میشود. شهروندان کشور باید بگونه یکسان و برابر و بدون در نظر داشت ملیت، نژاد و ارتباط با گروه های مذهبی در کشور، از این حق برخوردار می باشند تا از مزایای آموزش مستفید گردند.

همچنان در بند دوم اشاره شده است که بمنظور تحقق کامل این اصل، دولت ها مکلفیت دارند تا:

- ۱- شرایط و امکانات آموزش ابتدایی - اجباری و رایگان را برای شهروندان کشور مساعد و مهیا نماید؛
- ۲- تحصیلات متوسطه، تحصیلات فنی و حرفوی متوسط باید در دسترس تمامی دانش آموزان کشور قرار گیرد؛
- ۳- شرایط ادامه تحصیلات عالی باید برای سایر شهروندان کشور و بویژه با توجه به توانایی های ذهنی و فکری دانش آموزان مهیا و فراهم گردد؛

۴- آموزگاران حق داشته باشند تا با استفاده از بورس های تحصیلی، سویی درک و دانش شان را ارتقا بخشند. قابل یاددهانی پنداشته میشود که تصویب مقررات جدید توسط "طالب" ها بویژه در مورد روابط و مناسبات خانوادگی به نقض صریح حقوق و آزادی های بانوان کشور منجر می گردد.

در نهایت امر، بایست چنین نتیجه گرفت که تنها می توان منتظر افزایش بیش از پیش اعمال خشونت آمیز و افزایش نقض حقوق بشر در کشور عزیز بود. پیشبینی این واقعیت اصلن غیر قابل انتظار پنداشته می شود که رویدادهای پسین و بویژه بحران انسانی در کشور ما پرچه منوالی سیر خواهد نمود؟

قضایای یاد شده بمفهوم وسیع کلمه، مربوط به بسیاری از پدیده های پروتوکولی وزارتخانه های امور خارجه کشور های غربی پنداشته می شود که در واقعیت امر، اصل عدم انجام و نبود و کمبود اقدامات مشخصی در مورد شرایط و همچنین عدم نبود توانایی انجام تعاملاتی با رهبران "طالب" ها را بر ملا می نماید.

بیش از این، برای جامعه بین المللی، ابزارهای تأثیرگذاری بمنظور حل و فصل معضلات موجود در کشور ما باقی نما

نده و در کنار همه موارد موجود و مهمتر از همه، نبود اراده سیاسی نیز تردیدهایی را در زمینه ایجاد نموده است.

یکشنبه ۱۹ ماه اسد سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۱۰ ماه اگست سال ۲۰۲۵ ترسایی